

حسن رضا رفیعی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۰۵

## چکیده

اهمیت راه و راهبانی در برقراری امنیت داخلی بر کسی پوشیده نیست. در تاریخ ایران سازمان‌های زیادی به امر راه و راهبانی و راهداری مشغول بوده‌اند که قراسوران یکی از آن‌هاست. قراسوران واژه‌ای ترکی و به معنی سیاهی رونده است و اصطلاحاً به کسانی اطلاق می‌شد که اختصاصاً به امر راهبانی و پاسداری از امنیت راه‌ها مشغول بوده‌اند. اولین نامی که از قراسوران به میان آمده مربوط به دو فرمان از زمان شاه سلطان حسین صفوی است. با وجود این به نظر می‌رسد که سابقه چنین تشکیلاتی به سده‌های پیش از آن نیز برسد. قراسوران را می‌توان پلیس راه زمان خود به حساب آورد زیرا مأموران آن با هرگونه تخلفی در جاده‌ها برخورد و ایمنی مسافران و بازرگانان را تأمین می‌کردند. بعد از شهادت امیرکبیر و شیوع ناامنی در راه‌های کشور، ضرورت ساماندهی قراسوران آنچنان نمود پیدا می‌کند، که در فصل هشتم قانون تشکیل ایالات و ولایات، که در ۲۷ آذر ۱۲۸۶ خورشیدی به تصویب مجلس شورای ملی می‌رسد، موادی بیست‌گانه به چگونگی تشکیل، شرح وظایف و تعامل این سازمان با دو سازمان انتظامی نظمیه (شهربانی) و ضبطیه (ژاندارمری) و سازمان‌های دیگر تخصیص می‌یابد. با کودتای محمدعلی شاه بر علیه مشروطیت و حاکمیت استبداد صغیر اجرای این قانون معلق می‌ماند تا اینکه بعد از تشکیل امنیت دولتی در ۱۲۸۸ خورشیدی آخرین بازمانده‌های قراسوران برچیده و سازمان جدید عهده‌دار وظایف آن می‌شود. با وجود این آثار حضور قراسوران در تاریخ انتظامی ایران را تا سال ۱۳۰۱ خورشیدی نیز می‌توان دید.

**کلیدواژه‌ها:** قراسوران، قراول‌خانه، ولایت (شهرستان)، ایالت (استان)، ضبطیه (ژاندارمری)، نظمیه (شهربانی).

راه و راهبانی، در برقراری امنیت داخلی ایران از جمله اموری بوده است که در هیچ دوره‌ای از تاریخ به فراموشی سپرده نشده است. به همین خاطر نام سازمان‌ها و نهادهای راهداری و راهبانی را از زمانی که منابع نوشته شده در دست است، می‌توان یافت. یکی از سازمان‌های متولی راهبانی قراسوران بوده است.

علامه دهخدا پیرامون ریشه و معنی ترکیب قراسوران معتقد است که قراسوران یا قراسورن واژه‌ای ترکیبی و ترکی و به معنی سیاهی رونده است. عبارت «سیاهی تو کیستی؟» که نگهبانان به هنگام نگهبانی در شب از کسی که به آن‌ها نزدیک می‌شود، می‌پرسند از همین واژه گرفته شده است. گویا این ترکیب از ترکی عثمانی به ادبیات انتظامی ایران وارد شده باشد، زیرا در امپراتوری عثمانی به محافظان راه‌ها قراسوران یا قراسورن می‌گفتند. دهخدا معتقد است که قراسوران سرهنگ محافظ قافله و مراقب راه است. در ادبیات انتظامی ایران رئیس قراسوران کسی بود که از طرف نظام حکومتی به سرکردگی فوجی مراقب بود تا قافله‌ها از گذرگاه‌ها و توقفگاه‌های ترسناک راه‌های مواصلاتی به سلامت عبور کنند. (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۰، ۱۵۴۲۱؛ قائم مقامی، ۱۳۵۵: ۴۶)

در زمانی که دولت‌های مقتدر و توانمندی بر سر کار بوده‌اند، سازمان‌های راهبانی زیر نظر دولت بوده‌اند، با این وصف افراد خیر در ایجاد محل استقرار راهبانان و تأمین مخارج آنان مشارکت می‌کردند. در زمانی هم که دولت برای نظارت بر امور امنیت راه‌ها اقتدار کافی نداشت مردم به طور خودجوش این امر را به عهده می‌گرفتند و با ابتکاراتی همچون اخذ باج راه تشکیلات راهبانی را سرپا نگه می‌داشتند. پیک‌های دولتی زمان‌های هخامنشیان و پارت‌ها، چاپارخانه‌ها، یام‌خانه‌ها، مدرسه‌ها، زاویه‌ها، کاروان‌سراها، مهمان‌خانه‌ها و... از جمله عوامل و سازمان‌های راهبانی بوده‌اند. یکی از این تشکیلات که گاهی دولتی بود و گاهی با مشارکت دولت و مردم اداره می‌شد و گاهی توسط دولت به افراد صاحب نفوذ اجاره داده می‌شد و از منافع مادی آن بهره‌مند می‌گشت، قراسوران است. قراسوران را می‌توان پلیس راه تاریخی ایران نامید. قبل از پرداختن به چگونگی پیدایش قراسوران بهتر است به پیشینه راهبانی در ایران اشاره‌ای

در آغاز، رفت و آمد پیک‌های دولتی ایران باستان در شاهراه‌های مهم موجب برقراری امنیت می‌شد و ایستگاه‌های راه‌بانی و راهداری در گلوگاه‌های مهم مستقر بودند و ورود و خروج‌های افراد را کنترل می‌کردند. اولین سازمانی که پس از اسلام از پیکره سازمان حسبه یا پلیس اسلامی جدا و مستقل شد سازمانی با نام المعونه بود. این سازمان برای اولین بار در زمان خلافت خلفای عباسی تشکیل شد که رئیس آن را صاحب المعونه می‌نامیدند. اصطلاح معاون، از ریشه عون به معنی یاور گرفته شده است. دلیل پیدایش چنین اصطلاحی در فرهنگ انتظامی دولت اسلامی، که ایران را نیز زیر پوشش داشت، آن بود که مأموران این سازمان به برقراری نظم و امنیت عمومی در سطح جامعه کمک می‌کردند. افراد سازمان المعونه، که به آن‌ها معاون گفته می‌شد، از جمله شمشیردارانی بودند که وظیفه برقراری نظم در جوامع برون شهری را به عهده داشتند (ساکت، ۱۳۶۵: ۴۱۱). چنین سازمانی در ایران امنیه نامیده شد. رئیس امنیه بر حفاظت راه‌های بین شهری و نظم و ایمنی داخلی مملکت نظارت کامل داشت. محمدبن عبدوس جهشیاری برای اولین بار واژه رئیس امنیه را در کتاب *الوزراء و الکتّاب* به کار برده است (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۱۶۷).

علاوه بر سازمان المعونه، در زمان عباسیان قسمتی از شرطه، که وظیفه برقراری امنیت در درون شهرها را به عهده داشت، مأمور بدرقه حجاج به مکه بودند تا برای آن‌ها در طول راه مشکلی پیش نیاید. در آن زمان به این بخش از شرطه، والی طریق مکه می‌گفتند (ساکت، ۱۳۶۵: ۳۶۶). شاید چنین تشکیلات موقتی اهمیت راه‌بانی را برای خلفای عباسی آشکار کرد و آن‌ها را به فکر بنیان نهادن سازمان المعونه یا امنیه انداخته باشد تا برای همیشه به برقراری نظم و ایمنی در جاده‌ها، روستاها و مناطق برون شهری نظارت داشته باشد (رفیعی، ۱۳۸۰: ۸-۱۹۷).

ابن فضلان بغدادی در سفرنامه‌اش به جریان دستگیری یکی از سرشناسان بغداد به نام احمدبن موسی خوارزمی اشاره می‌کند که توسط رؤسای امنیه یا المعونه صورت گرفت. پس از غیبت این فرد بانفوذ، که احتمالاً از ایرانیان وطن پرستی بوده که از ظلم و جور خلفای عباسی به تنگ آمده و از بغداد گریخته است، ابن فرات وزیر خلفیه عباسی طی فرمانی به رؤسای امنیه در راه خراسان نامه نوشت تا مأموران مستقر در مسیر و مرزبانان در کاروان‌سراها و مراکز استقرار مسافران کسانی را بگمارند و او را

دستگیر کنند که در نهایت وی را در مرو می‌یابند و دستگیر می‌کنند (بغدادی، ۱۳۵۵: ۶۳). از نوشته ابن مسکویه رازی برمی‌آید که سازمان المعونه واحدی خاص برای حفاظت و ایمنی راه‌ها داشته است که راهداران آن در دژهای مخصوص مستقر می‌شدند و بر امنیت راه‌ها نظارت داشتند. وی در بیان وقایع سال ۳۰۸ هجری قمری اشاره دارد که وظیفه راهداری راه خراسان به دینور در استان کرمانشاهان فعلی به شخصی به نام ابوالهیجاء عبدالله بن حمدان سپرده شد. وی در جای دیگری می‌نویسد که همین ابوالهیجاء علاوه بر راهداری شاهراه خراسان به حلوان و دینور، وظیفه مراقبت از شاهراه‌های سامرا، بزرگ شاپور، دوراذان، مهرگان گدگ (مهرجان قذق) و ارزن در نواحی غرب و جنوب کشور ایران را نیز به عهده داشته است (رازی، ۱۳۶۶: ۳۹۲ و ۴۰۸).

ابن اثیر نیز در ذکر وقایع سال ۴۸۷ هـ.ق به مورد جالبی در زمینه راهداری و برقراری ایمنی کاروان‌ها اشاره دارد که درخور توجه است. بنابه نوشته وی برکیارق، سلطان سلجوقی ایران، وظیفه راه‌بانی را از دوش دولت برداشت و آن را به مردم محول کرد. وی امنیت راه‌ها را به روستاییان مستقر در مسیر راه‌ها سپرد. چنانچه در نزدیک روستایی به کاروانی دستبرد زده می‌شد، اهالی روستا مورد بازخواست قرار می‌گرفتند و آن‌ها مجبور می‌شدند تا غرامت مال‌های از دست رفته را به صاحبان آن‌ها بپردازند. شاید دلیل چنین تدبیری آن بود که پیش از آن افرادی از روستاییان به کاروان‌ها دستبرد می‌زدند و برای کاروانیان مزاحمت ایجاد می‌کردند. بدین سان به محض رسیدن کاروان‌ها به روستایی، اهل کاروان به استراحت می‌پرداختند و روستاییان موظف به حفاظت و حراست از مال آن‌ها بودند تا اینکه آن کاروان از محدوده آن روستا کوچ نماید و به محدوده روستای بعدی وارد شود. چنین بود که وظیفه روستاییان روستای پیشین پایان یافته تلقی و وظیفه روستاییان روستای بعدی آغاز می‌شد. بدین سان برکیارق با این ابتکار راه‌های کاروان‌رو سراسر ایران را ایمنی بخشید (ابن اثیر، ۱۴۱۴ هـ.ق: ج ۶، ۸-۳۵۲).

روش تحقیق نگارنده در این مقاله، با توجه به ماهیت پژوهش، روش تحقیق تاریخی و روش گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای مبتنی بر منابع نوشته شده‌ای است که نگارنده به آن‌ها دست یافته است.

### یافته‌های تحقیق

با توجه به اسنادی که بعد از این به آن‌ها اشاره می‌شود، قراسوران به عنوان یک سازمان راه‌بانی در ادبیات اواخر دوره صفویه وجود داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد پیشینه این واژه به ادبیات انتظامی دروهای پیش از صفویه برگردد. همان‌گونه که در تاریخ آمده است سلجوقیان، عده‌ای از ترک‌های شرق بودند که به ایران دست یافتند و شعبه‌ای از آن‌ها به بخش‌هایی از روم شرقی یا عثمانی دوره‌های بعد و ترکیه امروز مسلط شدند. شعبه ایرانی آن‌ها را سلجوقیان ایران و شعبه رومی آن‌ها را سلاجقه روم نامیدند. نظر به اینکه فرهنگ این دو شعبه از سلجوقیان یکی بود، بعید نیست که واژه قراسوران از زمان حکومت این سلسله به فرهنگ انتظامی ایران راه یافته باشد. از طرفی ممکن است که سلجوقیان حاکم روم نیز این واژه را در آن سرزمین رواج داده باشند و سپس به دولت عثمانی به ارث رسیده باشد. سلجوقیان از جمله اقوام ترک نژادی بوده‌اند که با ترک‌تازی موجب ترویج زبان ترکی در بخش‌های اعظمی از ایران کهن از جمله آذربایجان و ایران شده‌اند. شاید یکی از عوامل نابودی و فراموشی زبان اصیل آذری، از جمله شیرین‌ترین گویش‌های ایرانی، استقرار ترک‌های سلجوقی در این خطه از میهن عزیزمان بوده است. امروزه از سرزمین وسیع آذربایجان کهن فقط بخش‌هایی از خلخال و روستای گلین قیه در شهرستان مرند به گویش شیرین آذری کهن سخن می‌گویند و گویش بقیه قسمت‌ها آمیخته‌ای از زبان ترکی وارداتی و گویش اصیل آذری است.

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد اولین جایی که از واژه قراسوران به صراحت یاد شده است فرمانی است از شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵-۱۱۳۵ هـ.ق) که در مورد معافیت اهالی ماهین‌لو و طارم زنجان از پرداخت مالیات‌هایی همچون علفه، علفه، شکار، بیگار و خرج قراسوران، چاپار، دست‌انداز، پیشکش و سلامانه صادر شده

است. این فرمان خطاب به حکام و عمال الکاء طارم است و در آن نگرارش شده است که چنین مالیات‌هایی از اولاد مرحوم مینابگ مشهور به نجفی گرفته نشود و از این بابت مزاحمتی برای آن‌ها ایجاد نگردد تا به تعبیر نویسنده فرمان: «گذارند که به رفاه حال و به درویشی و کاسبی خود قیام نمایند.» همان‌گونه که مشاهده می‌شود این فرمان مربوط به اوایل سده دوازدهم هجری است و حدود چهارصد سال از نوشتن آن می‌گذرد (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۸: ج ۱، ۹-۵۳۸).

خانم لمبتن نیز در کتاب مالک و زارع در ایران به سندی مشابه سند پیش گفته اشاره می‌کند که در سال ۱۱۲۰ هـ ق و در زمان حکومت همان شاه صفوی صادر شده است و اهالی دولت آباد و کیخسرو آباد در ناحیه جوشقان قالی در کاشان از پرداخت همان مالیات‌ها از جمله عوارض قراسوران معاف می‌شوند (لمبتن، ۱۳۶۲: ۷۷۹). بخشی از این مالیات‌ها نقدی، بخشی جنسی، بخشی جسمی و کار بدنی بوده است. برای مثال علفه پولی بوده است که برای تهیه خوراک دام‌های دست‌اندرکاران دولتی به آن‌ها داده می‌شد. علوفه خوراک حاضری بود که جلو دام‌های آن‌ها ریخته می‌شد. شکار، حیوانات وحشی‌ای بود که توسط مردم برای تأمین خوراک مأموران دولت صید می‌شد و در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت. بیگاری کار مجانی اهالی روستاها برای خدمت به عوامل دولتی بود. گاهی خرج و مخارج قراسوران و عوامل چاپارخانه‌ها نیز به عهده مردم بود. دست‌انداز نیز مالیاتی بود که برای خرهای در خدمت عوامل دولتی گرفته می‌شد و به آنان دست‌انداز الاغ می‌گفتند. شاید دست‌انداز شامل هزینه نعل‌بندی و مواردی مشابه آن بوده است. چنان‌چه گوسفند، مال، ظرف و ظروف و حتی محصولات کشاورزی مردم مسیر مورد توجه دست‌اندرکاران دولتی قرار می‌گرفت، می‌باید که به آن‌ها پیشکش شود یعنی به طور رایگان در اختیارشان قرار می‌گرفت. سلامانه نیز هدایایی بود که به مناسبت جشن‌ها و عیدها به کارگزاران و مسئولان دولتی تقدیم می‌شد. ناگفته نماند که قراسوران در ارکان دولت صفوی جایگاه ثابتی نداشته است. زیرا در کتاب‌های تذکره الملوک میرزا سمیعا و دستور الملوک میرزا رفیعا که پیرامون تشکیلات دولتی صفویه و بعد از درگذشت شاه سلطان حسین نوشته شده‌اند، از چنین سازمانی نام برده نشده است. صدور این دو فرمان گویای آن است که در زمان این شاه صفوی چنین سازمانی وجود داشته که رؤسای آن برای ادامه فعالیت خود از

مردم مالیات می گرفته‌اند (قائم مقامی، ۱۳۵۵: ۴۸). با وجود این جای تعجب است که خسرو معتضد در پانوشت کتاب خود در توضیح واژه قراسوران می‌نویسد: «قراسوران یا قره‌سوران شبه نظامیان مأمور حراست جاده‌ها و کاروان‌ها بودند که از اوایل قاجاریه این صنف دایر شده و اغلب از سواران محلی خوانین و ایلخانان عشایری به شمار می‌رفتند.» به عبارتی سابقه شکل‌گیری آن‌ها را به اوایل دوره قاجاریه نسبت می‌دهد.

در جمادی‌الثانی ۱۳۰۵ قمری برابر با اسفند ماه ۱۲۶۵ خورشیدی پس از محدود شدن قدرت سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان پسر ستمگر ناصرالدین شاه، میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان وزیراعظم رساله‌ای را با عنوان دستورالعمل حکام و ولایات تدوین و به همه فرمانروایان ولایت‌ها ابلاغ می‌کند. در فصل هشتم این رساله ضمن اشاره به قلع و قمع سارقان و اشرار، برقراری ایمنی راه‌ها را از جمله وظایف واجب حکومت برمی‌شمارد و مسئولان حکومتی را ملزم می‌کند که در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکنند و تحت تأثیر رشوه و تعارف قرار نگیرند و افراد متخلف را مجازات نمایند. همچنین پاکی شوارع و معابر قوافل از خاشاک وجود دزد تأکید شده است. ضمناً متذکر می‌شود که خود سوارهای قراسوران مرتکب سرقت نشوند یا شریک سارق نباشند. در این دستورالعمل بر اخذ التزام سخت از قراسوران تأکید شده است. از طرفی در هر جا که قراسوران نباشند، مقرر شده بود تا از قرا و قصبات نزدیک و رؤسای عشایر مربوط به آن معابر تعهد بگیرند. در هر جا که قتل و جنایت و سرقتی ظهور یابد و قاتل یا سارق یا جانی پیدا شود از ملتزمان (التزام دهندگان) بخواهند که در آن مورد اقدام و جبران خسارت نمایند (معتضد، ۱۳۸۳: ج ۱، ۲۰-۱۹). از این دستورالعمل و ابلاغیه دولتی برمی‌آید که قراسوران‌ها مأمور مراقبت از راه‌ها بوده‌اند که وزیراعظم که بعداً نخست وزیر یا صدراعظم می‌شود از فرمانروایان ولایت‌ها می‌خواهد که بر کار آن‌ها نظارت داشته باشند.

در شوال ۱۲۷۶ به امضای حسام‌السلطنه استاندار وقت فارس، در مورد ایمنی راه شیراز به کازرون حکمی صادر شده است که مفاد آن قابل توجه است. در ابتدای

این حکم آمده است: «حکم والا شد<sup>۱</sup>. آنکه چون همواره منظور نظر رأفت گستر والا بر آن است که جمیع طرق و شوارع مملکت فارس کمال انتظام و امنیت را داشته، عامه عابران و مترددان و قوافل و تجار به آسودگی و فراغت عبور و مرور نمایند، از جمله راه‌خانه زنیان است که محل عبور و مرور ارباب تجارت و معامله و غیره است.» در بخش دیگری از حکم برقراری امنیت در این راه بین گروه‌های مختلف از تفنگ‌چیان محلی چنین تقسیم‌بندی شده است: «و ما بعدها قرار بر این فرمودیم که از حد قراول‌خانه الی راه سردابی به عهده تفنگ‌چی پیراشگفتی باشد که حفظ و حراست حد خود را بنمایند که عیب و نقصی وارد نیاید و قوافل و عابران در کمال فراغت عبور و مرور کنند و در ازای این خدمت مبلغ یکصد تومان موجب در حق ده نفر تفنگ‌چی برقرار نمودیم... چنان‌چه از حد قراول‌خانه الی راه سردابی عیب و نقصی وارد آید و مال‌التجاره و غیره تلف شود به تفنگ‌چیان پیراشگفتی لازم است که: اولاً رد را مشخص و معین نمایند که کجا رفته و برده‌اند والا از عهده غرامت مال مسروقه کلاً برآیند. اگر عیب و نقصی وارد آید، از حد قراول‌خانه الی راه سردابی که به عهده تفنگ‌چیان پیراشگفتی است، از آن‌ها مواخذه و بازخواست و غرامت گرفته خواهد شد و از راه سردابی الی بردکوه که قریب به چنار راه داراست به عهده تفنگ‌چیان ناصری است و از قراول‌خانه به سمت کازرون به عهده تفنگ‌چیان دشت ارژنی است. در حد هر یک نقصی واقع آید مواخذه از آن‌ها خواهد شد» (حکمت، بی‌تا، شماره ۹۱۷۷/۴).

از این حکم چند نکته قابل برداشت است: (۱) بعد از شهادت امیرکبیر، ناامنی راه‌ها آن‌چنان بالا می‌رود که حکومت‌های محلی را به تکاپو واداشته است؛ (۲) حفظ ایمنی راه‌ها مورد توجه ویژه حکومت‌های محلی یا استانی بوده است؛ (۳) در مواضع مختلف راه‌ها ساختمان‌هایی برای استقرار راهداران وجود داشته است که به آن‌ها قراول‌خانه می‌گفته‌اند؛ (۴) راهداری به تفنگ‌چیان محلی واگذار شده است. دست‌کم در فارس که همه عشایر مسلح بوده‌اند چنین بوده است؛ (۵) برای آن‌ها حقوق و مواجبی در نظر گرفته شد که مشخص نیست هر تفنگ‌چی در سال یا ماه ده تومان حقوق

۱. بنا به گفته یکی از معتمدین محلی شهر میمند در فیروزآباد فارس به نگارنده، در زمان صفویه چنان‌چه فرمانی از طرف شاه صادر می‌شد می‌نوشتند: «حکم اعلای» و چنان‌چه از سوی وزیر صادر می‌شد می‌نوشتند: «حکم والا» (فیجی، ۱۳۸۴: ۳۴۱). به نظر می‌رسد در زمان قاجاریه فرمان استانداران با حکم والا شروع می‌شده است.



داشته است. به نظر می‌رسد که این حقوق سالیانه باشد؛ زیرا محل تأمین آن مالیات روستای پیراشگفت بوده که سالی یکبار پرداخت می‌شده است؛ (۶) بین راه شیراز کازرون سه قراول‌خانه وجود داشته است: یکی در چنار راه‌دار، دومی در خانه زنیان و سومی در دشت ارژن؛ (۷) تفنگ‌چیان در قبال دریافت ماهیانه هشت قران (ریال) موجب، ضامن جبران خسارت‌هایی بوده‌اند که در اثر راه‌زنی و ناامنی به افراد قافله‌ها و بازرگانان استفاده‌کننده از مسیر شیراز - کازرون وارد می‌شده است؛ (۸) راه شیراز به کازرون تا بنادر از جمله راه‌های مهم اواخر دوره قاجار بوده است.

در مورد برقراری امنیت در همین راه فرمان دیگری از عبده محمد، نایب الحکومه حکمران فارس در ربیع الاول سال ۱۲۸۱، خطاب به تفنگ‌چیان مسئول حفاظت راه‌خانه زنیان به پیراشگفت صادر شده است که چگونگی امنیت در این راه را چنین تصویر می‌نماید: «عالیجاهان تفنگ‌چیان راه‌خانه زنیان سمت پیراشگفت را مرقوم می‌دارد که چون باید در آن جاده ابداً دزدی و راه‌زنی نشود و ابران آسوده تردد کنند، لهذا به آن عالیجاهان مرقوم می‌شود که اگر قافله‌ای خواهد در خارج کاروان‌سرا منزل کند و شب روانه شود، ممانعت کنند مبدا آسیبی به آن‌ها برسد. باید کما فی‌السابق ابران و قوافل در میان کاروان‌سرا منزل نموده و آن عالیجاهان هم نهایت محافظت در منزل و راه از آن‌ها کرده، از حد و سامان خود که از حد قراول‌خانه الی راه سردابی است همراهی کرده سالم‌اً بگذرانند و اگر فرضاً مالی از کسی ببرند، آن عالیجاهان دزد را تعاقب کنند. باید یک نفر از صاحبان مال یا مکاریان راه همراه خود ببرند که بر آن‌ها معلوم شود آن عالیجاهان در تعاقب دزد کوتاهی نکرده‌اند و هم اگر مال پس گرفته شود، صاحب مال مستحضر شود که تفنگ‌چی و مستحفظ چه پس گرفته‌اند که بی‌کسر و نقصان به صاحب مسترد شود. البته نهایت اهتمام نموده موافق التزامی که سپرده‌اند باید در محافظت مال مردم کوتاهی نکنند (همان منبع)».

در مورد این فرمان نیز چند نکته قابل بیان است: (۱) اگرچه در آغاز به نظر می‌رسد که تک‌تک تفنگ‌چیان مورد خطاب فرمان هستند ولی در پایان مشخص می‌شود که وظیفه نظارت بر اجرای صحیح مفاد فرمان به عهده مسئول تفنگ‌چیان قراول‌خانه زنیان بوده است؛ (۲) از فرمان بوی تکلف نوشته‌های دولتی به مشام می‌رسد. نفر دوم حاکمیت در سطح استان برای تفنگ‌چیان فقیری که به راه‌بانی مسیر شیراز به

کازرون مشغول خدمت بوده‌اند پنج بار از واژه «عالیجهان» استفاده کرده است؛ ۳) به نظر می‌رسد که مأموران قراول‌خانه در همان کاروان‌سرای خانه زنیان مستقر بوده‌اند که کاروان‌ها را وادار می‌کرده‌اند که در داخل کاروان‌سرا استراحت کنند و شب حرکت نکنند؛ ۴) در آن زمان راه‌ها در شب ایمن نبوده‌اند؛ ۵) نکته دیگر کسب رضایت مال‌باخته توسط مأموران بوده است که می‌باید او یا نماینده‌اش به همراه تفنگ‌چیان به تعقیب دزدان بپردازند تا ناظر تلاش آن‌ها برای دستگیری دزد باشند، دوم آنکه در تحویل مال کشف‌شده حضور داشته باشند تا چیزی کم و کسر نباشد. ۶) آخرین نکته آن بوده است که به هنگام استخدام تفنگ‌چی از او التزام و تعهد می‌گرفته‌اند که به سلامت خدمت کند و از جان و مال مردم محافظت کند.

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه یا صنیع الدوله<sup>۱</sup> در سال ۱۲۸۸ هـ ق روزنامه ایران را منتشر و در آن اخبار تهران و ایالات و ولایات را درج می‌کند. در شماره‌های مختلف این روزنامه اطلاعاتی پیرامون وضعیت راه‌های مختلف ایران وجود دارد. از جمله در شماره ۱۵ جمادی الاول ۱۲۸۸ هـ ق آمده است که: «نظم طرق و شوارع دارالحکومه و اطراف و قم و کاشان و اصفهان و غیره که به محمد صالح‌خان سرتیپ کردبچه سپرده است، خیلی به قاعده منظم است.» چنین اخباری حکایت از آن دارد که در آن دوره برای برقراری ایمنی در راه‌ها مأمورانی به کار گرفته شده بودند. همچنین علاوه بر سربازان دولتی از عوامل خان‌های محلی، که اصطلاحاً به آن‌ها «غلام» گفته می‌شد، نیز استفاده می‌کردند. برای مثال، در شماره ۸۹ روزنامه ایران پیرامون چگونگی برقراری ایمنی در راه‌های کرمان آمده است: «عابران و مترددان طرق و شوارع این اوقات در عبور و مرور ایمن و آسوده می‌باشند. غلامان کنگرلو با سیصد نفر

۱. محمدخان اعتمادالسلطنه یا صنیع الدوله فرزند حاج علی خان مراغه‌ای قاتل امیرکبیر است. با این وجود وی برخلاف پدر فردی فرهنگی و خدمت‌گزار و وزیر یا رئیس انطباعات دوره ناصرالدین شاه بود که از او آثار زیادی به چاپ رسیده است. وی یکی از پرکارترین نویسندگان دوره قاجار است که از علوم روز و دانش تاریخ و جغرافی نگاری نوین نیز بهره‌مند بوده است. بیشتر آثار او در گذشته با عنوان محمدحسن خان صنیع الدوله به چاپ رسیده است. در دو سه دهه اخیر کتاب‌های این مرد دانشمند به نام اعتمادالسلطنه چاپ شده است. در مورد وی می‌توان گفت که در جسم او خون پدر سفاک و در جان او روح امیرکبیر شهید جاری بود. تعدادی از آثار محمدحسن خان عبارت‌انداز: سالنامه سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۲، التدوین فی احوال جبال الشروین، درالتيجان فی تاریخ بنی الاشکان، المآثر والآثار و غیرات حسان، مرآة البلدان، مطلع الشمس و منتظم ناصری.

سرباز و تفنگچی در منازل شمس و زین‌الدین و غیره که از مواقف مخوفه راه یزد است مشغول حراست و حفظ هستند و همچنین یک دسته سرباز و بیست نفر غلام در سیرجان و پانزده نفر غلام در آرزویه و اقطاع مشغول خدمت می‌باشند و در دربند راور که راه ارض قدس است جمازه‌سوار و تفنگچی قابل مستعد و آماده نموده‌اند و زوار و قوافل به سلامت، راه طی کنند» از جمله نکات قابل بیان دیگر آنکه دولت قاجار استقرار ایمنی در راه‌ها را از فرمانروایان و حکام محلی یا همان استانداران و فرمانداران امروزی می‌خواست. آن‌ها نیز برای این کار از نیروهای محلی و سربازان حوزه خدمتی خود استفاده می‌کردند. نکته دیگر آنکه مأموران راه‌بانی علاوه بر مسئولیت حفظ راه‌ها، اعضای کاروان‌ها و مسافران را در راه‌های خطرناک بدرقه و همراهی می‌کردند تا به محلی ایمن برسند. برای اثبات این مدعا به یکی دو نمونه مندرج در روزنامه ایران اشاره می‌شود. در شماره ۴۹ این روزنامه به تاریخ ۲ شعبان ۱۲۸۸ آمده است: «چون آثار بی‌نظمی و سرقت در راه دارالخلافه و فارس و غیره ظاهر شده بود و نسبت به قوافل و مترددان از سارقان دستبرد می‌رسید و انتظام این امر اهم مهم بود، چهل نفر سوار از حکومت اصفهان مشخص و رئیسی برای آن‌ها معین شد که از این طرف تا خاک نطنز را محافظت نمایند و از سمت فارس الی امین‌آباد را محارست کنند. قوافل و مترددان را همراهی نموده به منزل برسانند. نایب نطنز نیز تفنگچی معین نماید تا از سه و قهرود با عابران همراهی کرده به خاک کاشان داخل نمایند و هرگاه اموال قوافل در خاک نطنز عیب نماید، اهالی آنجا از عهده برآیند.» در شماره ۵۵ به تاریخ ۱۷ رمضان ۱۲۸۸ نیز آمده است: «چون در راه شمش در کرمانشاهان و زین‌الدین و غیره من بلوک کرمان، از اشرا و سارقان ایلات به مترددان و قوافل در معابر و منازل آن حدود دستبرد می‌رسید، وکیل‌الملک پنجاه نفر صاحب منصب و سرباز از فوج قدیم کرمان بر عدد سواره و تفنگچی آن مسالک افزوده تا سرباز و سواره و تفنگچی از سر یزد با قوافل همراهی کرده به مقصد برسانند» (قائم مقامی، ۱۳۵۵: ۲-۶۰).

همان‌گونه که اشاره شد در شماره‌های مختلف این روزنامه به کرات از واژه قراسوران استفاده شده است، از جمله در شماره ۲۸ مورخ ۱۵ جمادی الاول سال ۱۲۸۸ مطلبی پیرامون قراسوران راه تبریز، و در همان شماره مطلبی پیرامون قراسوران راه قزوین، در شماره‌های دیگر پیرامون قراسوران راه رشت و غلامان و قراسوران ساوه

مطالبی آمده است. با وجود این از این مطالب پیرامون اینکه سازمان قراسوران چگونه بوده است چیزی به دست نمی‌آید. از دوره ناصری سند مهمی به جای مانده که گزارش میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم، بانی مسجد سپهسالار در میدان بهارستان، به ناصرالدین شاه در مورد قراسوران است. جهانگیر قائم مقامی تاریخ این سند را روز سه‌شنبه پنجم شوال سال ۱۲۹۳ و یا ۱۲۹۶ و شادروان ابراهیم صفایی، تاریخ نگار بزرگ تاریخ آن را ۱۲۹۲ ذکر کرده است. گویا به هنگام نوشتن این گزارش شاه در جاجرود به تفریح مشغول بوده است. بنابه نوشته سپهسالار در روز دوشنبه چهارم شوال جلسه‌ای با حضور وزیر لشکر و محمدصادق خان امین نظام و چندین صاحب منصب دیگر، که نسبت به وضعیت راه‌ها آگاهی کامل داشته‌اند، تشکیل می‌شود و پیرامون راه‌هایی که تا آن تاریخ قراسوران نداشته‌اند بحث و تبادل نظر می‌شود. در این میان خراسان، استرآباد، مازندران و گیلان مستثنی می‌شود. برای بقیه راه‌های کشور که فاقد قراسوران بوده‌اند ۹۲۰ نفر نیرو در نظر گرفته می‌شود. از طرفی قرار بر این می‌شود که برای این تصمیم نقشه‌ای نیز توسط محمدصادق خان امین نظام ترسیم و چینش قراسوران‌ها بر روی آن مشخص شود و از شاه نیز درخواست می‌گردد تا نظر خود را در این زمینه اظهار نماید. ناصرالدین شاه در قسمت بالای این گزارش نظر خود را چنین می‌نویسد: «جناب سپهسالار اعظم، نظم راه‌ها از الزام امور دولت است. هر قراری که برای امر قره‌سورانی و سواره که الی حال در راه‌ها بوده‌اند، داده‌اید همه مستحسن و تفاوت مخارج همه قبول و از الزام مخارج است. نقشه خوب بزرگ با معنی کشیده نسخه به من بدهید. نسخه‌ای هم پیش خود نگاه دارید. از امروز انتظام طرق را از شخص شما انشاءالله می‌خواهیم.» از دستور شاه برمی‌آید که قره‌سوران پیش از آن نیز وجود داشته و در زمان صدارت حسین سپهسالار گسترش یافته است. حال چرا راه‌های خراسان، استرآباد، مازندران و گیلان از این قضیه مستثنی شده است، شاید به خاطر رفت و آمد زیاد مردم و زوار امام رضا(ع) و آبادی مناطق شمالی یا برقراری نظم و ایمنی توسط سواره نظام یا نیروهای لشکری بوده است. به هر صورت برابر این تصمیم سازمان قراسوران با تخصیص ۹۲۰ نیرو شکل می‌گیرد (همان: ۶-۶۲؛ صفایی ۱۳۵۵: ۳۶-۳۷؛ صفایی ۱۳۵۳: ۵-۴۴).

از نوشته الول ساتن برمی آید که قراسوران دوره ناصرالدین شاه لباس یک شکلی نداشته‌اند و برای مشخص بودن از سایر مردم علامت شیر و خورشید دولتی را بر روی کلاه‌های خود نصب می‌کردند (ساتن، ۱۳۳۷: ۲۶۷).

از نوشته اعتمادالسلطنه یا صنیع الدوله برمی آید که دسته قراسوران خراسان به ریاست غلامرضاخان هراتی تا سال ۱۳۱۲ هـ ق فعال بوده است (صنیع الدوله، ۱۳۱۲ هـ ق: محلقات ۱۹۵). قراسوران راه قزوین نیز تحت نظر اداره سواره دیوانی با ۱۷۰ نفر مأمور فعال بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ج ۳، ۴-۲۱۴۳). ژان دیولافوآ که در سال ۱۲۹۸ هـ ق به ایران می‌آید از قول یکی از قاطرچیان نقل می‌کند که در کاروان‌سراییی بین مرند و صوفیان، راهزنان اهل قافله را لخت می‌کنند، به عبارتی، اموال آن‌ها را به طور کامل می‌دزدند. همین قاطرچی نقل می‌کند که وقتی فرمانروای آذربایجان رئیس قراسوران را به فلک می‌بندد و فراشان چهل ضربه چوب به کف پای او می‌زنند، افراد زیر نظر او مراقبت بیشتری از راه‌ها می‌نمایند و دزدان کمتر جرئت حمله به کاروان‌ها را پیدا می‌کنند (دیولافوآ، ۱۳۷۱: ۳۸ و ۵-۴۳).

بنابر متن سفرنامه میرزاحمدحسین حسینی فراهانی که در سال ۱۳۰۲ هـ ق نوشته شده است، مأموران قراسوران علاوه بر برقراری امنیت در راه‌بانی از راه‌ها نیز نقش بارزی داشته‌اند، به‌گونه‌ای که با هر کالسکه چاپار یک مأمور قراسوران همراه می‌شد. ضمناً یگان قراسوران زیرمجموعه‌هایی همچون یوزباشی و غلام در اختیار داشت، به‌گونه‌ای که واحد قراسوران قزوین با یوزباشی‌ها و غلام‌ها، دویست مأمور در اختیار داشت (حسینی فراهانی، ۱۳۶۲: ۱۸).

در سالنامه ۱۳۱۴ هـ ق، یعنی اولین سال بعد از قتل ناصرالدین شاه<sup>۱</sup>، که به ضمیمه کتاب *تاریخ ساسانیان* محمدباقرخان اعتمادالسلطنه چاپ شده ترکیب قراسوران جاهای مختلف به شرح زیر آمده است: (۱) در آذربایجان: جماعت شقاقی و شاطرانلو و الیکانلو و قراسوران جمعی علیقلی‌خان، جماعت حاجی علیلوی قراجه‌داغی و قراسوران حاجی علیلو و جماعت قراسوران سه راه مرند و ارشق و آستارا و قراسوران قدیمی مرندی؛ (۲) در خراسان دسته قراسوران مشهدی جمعی سرسراخان و قراسوران

۱. ناصرالدین شاه در ۱۷ ذی قعدة سال ۱۳۱۳ قمری یعنی ۱۲ اردیبهشت سال ۱۲۷۵ خورشیدی با ضرب گلوله میرزا رضا کرمانی از شاگردان انقلابی سید جمال‌الدین اسدآبادی در کنار ضریح حضرت عبدالعظیم کشته شد.

نیشابوری جمعی نصراله خان؛ ۳) جماعت سواره قراسوران شامل سواره راه خمسه، سواره راه نهاوند و خزل و سواره راه همدان؛ ۴) جماعت قراسوران پیاده شامل: جماعت چگنی و قراسوران قزوین، جماعت قراسوران کرمانشاهان، جماعت قراسوران کنگاور، جماعت قراسوران کمره (خمین)، جماعت قراسوران گلپایگان و جماعت قراسوران کزاز و فراهان (اعتمادالسلطنه، ۱۳۱۳ قمری: ج ۲، ملحقات، ۲۲-۱۹).

در هشتم ربیع‌الاول ۱۳۱۵ قمری میرزا علی اصغر خان امین السلطان توسط مظفرالدین شاه از صدارت برکنار و به جای وی میرزا علی خان امین‌الدوله که مردی روشنفکر بود به صدارت منصوب می‌شود. وی که به شرح وظایف ژاندارمری در کشورهای اروپایی، از جمله فرانسه، آشنایی داشت؛ اقدام به تأسیس سازمان ژاندامری در ایران نمود. پیش از وی قراسوران محلی یا همان تفنگ‌چیان قراول‌خانه‌ها و وظیفه امنیت راه‌ها را به عهده داشتند. چون حقوق آن‌ها به کیسه حکام محلی از جمله کامران میرزا فرزند ناصرالدین شاه و فرماندار تهران ریخته و توسط آن‌ها بلعیده می‌شد، مأموران قراسوران شریک دزد و رفیق قافله بودند و به عبارتی آن‌ها به جای آنکه حافظ راه باشند برای تأمین مخارج خود از همکاری با دزدان ابایی نداشتند (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۲۵۷).

امین‌الدوله در این اندیشه بود که به جای قراسوران نامنظم و بی‌برنامه، عده‌ای ژاندارم با لباس یک شکل و آبرومند و با حقوق مکفی را برای برقراری امنیت در راه‌ها به کار گیرد. وی در نظر داشت تا سرهنگ (ماژور) مالتا ایتالیایی را که دو سال در خدمت ارتش ایران بود و در آن زمان شغلی نداشت به عنوان رئیس اداره ژاندارمری به کار گیرد. از آن سو مخالفان او تبلیغ کردند که نباید راه‌های کشور زیر نظر یک نفر خارجی باشد. بدین سان طرح امین‌الدوله محقق نشد و بدگویی بدخواهان موجب عزل وی از صدارت شد. با عزل امین‌الدوله بی‌سامانی راه‌های کشور ادامه یافت و در جریان انقلاب مشروطه این بی‌سوسامانی و ناامنی شدت بیشتری پیدا کرد.

در زمان حکومت ناصرالملک رئیس دولت وقت ایران، به تاریخ ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ هجری قمری برابر با ۲۷ آذر ماه ۱۲۸۶ خورشیدی قانونی با عنوان «قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعملی حکام» به تصویب مجلس شورای ملی مشروطه رسید. برابر این قانون نیروهای نظامی و انتظامی شامل قشون تابع وزارت جنگ و

نظمیه، ضبطیه و قراسوران تابع وزارت داخله یا کشور می‌شد. فصل هشتم این قانون یعنی از ماده ۳۴۵ تا ۳۶۵ در مورد تشکیل اداره قراسوران‌ها است. که نظر به اهمیت و ارتباط آن با این مقاله عیناً درج می‌شود.

## فصل هشتم - درباب قراسوران‌ها

### اول: در تشکیل اداره قراسوران‌ها

ماده ۳۴۵: قراسوران‌های کلیه ممالک ایران در اداره وزارت داخله (کشور) و در تحت ریاست وزیر داخله است.

ماده ۳۴۶: در هر ولایتی که به موجب قوانین، اداره تشکیل شده، اداره برای ترتیب و تنظیم امور قراسوران‌ها تشکیل خواهد شد. و این اداره مرکب است از رئیس قراسوران‌های ولایتی و نایب او.

ماده ۳۴۷: این اداره مثل اداره نظمیه دفترخانه خواهد داشت. منشی اداره قراسوران‌ها مدیر دفترخانه مزبوره است و اجزای دفترخانه از قبیل محرر (نویسنده) و دفتردار و غیره در تحت نظارت او واقعند.

تبصره: مقر اداره قراسوران‌ها در کرسی (مرکز) ولایت خواهد بود.

ماده ۳۴۸: رئیس قراسوران‌های ولایتی به معرفی حکام و تصویب وزیر داخلی منصوب و منفصل می‌شود. هرگاه ولایتی جزو ایالتی باشد نصب و عزل او به معرفی حاکم و تصویب فرمانفرماست. نایب رئیس قراسوران‌ها به معرفی رئیس قراسوران‌ها و تصویب حاکم به شغل خود منصوب و از شغل خود منفصل خواهد شد. مدیر دفترخانه قراسوران‌ها را رئیس قراسوران‌ها معین می‌کند.

ماده ۳۴۹: وزیر داخله به اتفاق وزیر عدلیه (دادگستری) و وزیر طرق و شوارع (راه و ترابری) عده قراسوران‌های هر ولایتی را معین خواهد کرد که بعد از تصویب مقامات عالیه قوت قانونی یافته به موقع اجرا گذارده شود.

ماده ۳۵۰: در تعیین عده قراسوران‌های ولایتی مقدار و وسعت خاک آن ولایت و اخلاق و عادات سکنه و طوایف آن و همچنان اهمیت طرق و شوارع و عده نظمیه (شهربانی) و ضبطیه (ژاندارمری) ولایت منظور نظر خواهد بود.

ماده ۳۵۱: رئیس قراسوران‌های ولایتی و نایب رئیس و صاحب منصبان جزو قراسوران رتبه نظامی خواهند داشت و از صاحب منصبان نظامی معین خواهند شد. تمام صاحب منصبان و تابین<sup>۱</sup> قراسوران در خدمت نظام حاضر رکاب محسوب و از حیث رتبه و مقام اعطای مناصب و امتیازات و قواعد خدمت تابع قواعد و ترتیبات خدمت نظامی خواهند بود.

ماده ۳۵۲: تقسیم قراسوران‌های ولایتی به دستجات مختلفه و سپردن هر کدام از دستجات مزبوره را به صاحب منصبی و تعیین رتبه و مقام رئیس و نایب رئیس و صاحب منصبان جزو، کذالك ترتیب لباس و اسلحه و اسب و سایر ملزومات آن‌ها را وزیر داخله به اتفاق وزیر جنگ معین و بعد از تصویب مقامات عالییه به موقع اجرا خواهد گذارد.

تبصره: تعیین عده قراسوران‌ها برای ممالک ایران و تقسیم آن به ولایات به عهده وزیر داخله خواهد بود.

### دوم: در وظایف اداره قراسوران‌ها

ماده ۳۵۳: اول وظیفه اداره قراسوران‌ها حفظ و حراست راه‌ها و قایه امنیت طرق و شوارع است و حدود تکالیف آن‌ها در این باب همان است که در فصول راجعه به ادارات ضبطیه و نظمیه مندرج است، یعنی آنچه که بر عهده اداره نظمیه (در شهرها) و ادارات ضبطیه (در بلوکات است) با جزئی اختلاف مقتضیات محلی بر عهده اداره قراسوران‌ها نسبت به طرق شوارع وارد می‌آید.

ماده ۳۵۴: اداره قراسوران‌ها مکلف است که اقدامات لازمه را در جلوگیری از جنحه و جنایت به عمل آورد و هرگاه جنحه و جنایتی اتفاق افتاده تا ورود مأمور تحقیق و تحقیقات اولیه را به عمل آورده و مرتکبان جنحه و جنایات و مقصران را دستگیر کند و علامت جنحه و جنایت را تا ورود مأموران تحقیق حفظ کند.



تبصره: در صورتی که جنحه و جنایتی واقع شود و قراسوران‌های راه در محل وقوع جنحه و جنایت نباشند، مستخدمان ادارات طرق و شوارع مکلفند علاوه بر جنحه و جنایت را تا ورود قراسوران‌ها حفظ کنند.

ماده ۳۵۵: در صورتی که در محل، ادارات نظمی و ضبطیه نباشد، قراسوران‌ها تمام تکلیف آن ادارات را به موقع اجرا می‌گذارند. موارد و مواقعی را که قراسوران‌ها باید تکالیف ادارات ضبطیه و نظمی را انجام بدهند، وزیر داخله به اتفاق وزیر عدلیه معین و اعلام خواهند کرد.

ماده ۳۵۶: حدود اقدامات اداره قراسوران‌ها حفظ طرق و شوارع و ابنیه و عماراتی است که سر راه‌ها یا در کنار جاده‌ها ساخته شده.

ماده ۳۵۷: هرگاه جنحه یا جنایتی در معابر و راه‌ها واقع شود و جانی یا مقصر فرار نماید، قراسوران‌ها مکلفند که آن‌ها را تعاقب کرده در خارج حوزه اقدامات خودشان هم این تعاقب را امتداد دهند و فقط وقتی دست از تعاقب بردارند که عمال ضبطیه و نظمی آن محل به اجرای تکالیف خودشان در این باب و به تعاقب فراری اقدام کرده باشند.

ماده ۳۵۸: قواعد استعمال اسلحه در موارد لازمه به توسط صاحب منصبان و تابین قراسوران علیحده مرتب و منظم عاده است.

### سوم: در روابط اداره قراسوران‌ها با سایر دوایر محلیه

ماده ۳۵۹: اداره قراسوران‌ها تابع احکام وزیر داخله و وزیر عدلیه و وزیر طرق و شوارع و اداره ولایتی هستند و به آن مقامات راپرت (گزارش) می‌دهند ولی از تحقیقات راجعه به جنحه و جنایات فقط تابع مدعی عمومی ولایتی می‌باشند.

ماده ۳۶۰: به دوایر محلیه اداره قراسوران‌ها مراسله می‌نویسند.

ماده ۳۶۱: اداره قراسوران‌ها هرگونه اطلاعات لازمه را به دوایر نظمی و ضبطیه در صورت لزوم و تقاضای آن ادارات خواهند داد و خود اداره قراسوران‌ها هرگونه اطلاعات لازمه را از آن ادارات بخواهد و در کلیه موارد لازمه اداره قراسوران‌ها کمال مساعدت و همراهی را به اندازه‌ای که راجع به حدود تکالیف آن اداره است از ادارات ضبطیه و نظمی خواهد کرد.

## قراسورانها

ماده ۳۵۲: تکالیف رئیس و صاحب منصبان و تابین قراسوران در قلمرو مأموریتی آنها همان است که در موارد راجعه به رئیس ضبطیه بلوکی و نایب رئیس و مدیرهای ضبطیه و تابین ضبطیه مطرح و مندرج است.<sup>۱</sup>

ماده ۳۶۳: روابط رئیس با صاحب منصبان و تابین قراسوران و به عکس روابط صاحب منصبان و تابین نسبت به رئیس به موجب اصول قوانین نظامی خواهد بود.

## پنجم: در مسئولیت صاحب منصبان و تابین قراسوران و سیاست آنها

ماده ۳۶۴: هرگاه از صاحب منصبان و تابین قره‌سوران تقصیرات جزئی سربزند تنبیه و سیاست آنها به طوری خواهد بود که در قوانین خدمت نظامی برای صاحب منصبان و تابین نظامی معین شده، ولی اگر تقصیر صاحب منصبان و تابین قراسوران به قدری مهم باشد که بعد از انفصال از شغل ارجاع کار آنها به محاکم عدلیه لازم شود بعد از تحقیقات لازمه در اداره ولایتی با حضور رئیس نظام ولایت یا معاون آن کار آنها به محاکم عدلیه و نظامی رجوع خواهد شد (میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۴-۸۲۳).

۱. ماده ۲۳۱ تا ماده ۲۳۹ قانون تشکیل ایالات و ولایات مربوط به روابط اداره ضبطیه یا ژاندارمری وقت و صاحب منصبان و تابین آنها است. از مفاد این مواد برمی آید که اداره قراسورانها نیز مانند اداره ضبطیه باید زیر نظر حاکم ولایت انجام وظیفه کند. در محل‌هایی که تحت پوشش قشون (نظامی‌ها) و اداره بحری (نیروی دریایی) است، مأموران آنها وظایف مربوط به قراسوران را انجام می‌دهند. به عبارتی حفظ و حراست از راه‌های آن محدوده‌ها به عهده آن نیروهاست. صاحب منصبان قراسوران تابع رئیس بلوک و رئیس اداره قراسورانها هستند و بدون اجازه حاکم ولایت عزل یا جلب آنها به محاکم قضایی ممنوع است. ناظران یا نایب رئیس‌های قراسوران تابع حاکم ولایت، رئیس بلوک و تابع اوامر رئیس قراسورانهاست. اداره قراسورانهای هر ولایت وقایع مربوط به راه و راه‌بانی حوزه خود را به حاکم ولایت گزارش می‌دهد و رئیس آن مجری دستورهای حاکم برای رفع نواقص و مشکلات است. محاکم بدایت یا دادسراها به اداره و عاملان قراسورانها حکم می‌نمایند و مدعی‌العموم (دادستان) و معاون وی اقدامات لازم را از نتیجه تحقیقات و اجرای احکام صادرشده و غیره از آنها می‌خواهند و در جواب از اداره قراسورانها گزارش می‌گیرند. اداره مالیه (دارایی) و اداره خالصجات (متصدی املاک و اموال دولتی) و اداره تفتیش (سازمان بازرسی) و سایر شعبه‌های وزارتخانه‌ها در سطح هر ولایت از اداره قراسورانها اجرای قوانین مربوط به خود را می‌خواهند و در جواب گزارش می‌گیرند. اداره قراسورانهای هر بلوک با اداره قراسورانهای بلوک‌های دیگر با هم‌دیگر مکاتبه و نامه‌نگاری می‌کنند و با هم‌دیگر تبادل اطلاعات می‌کنند (معتمد، ۱۳۸۳: ج ۱، ۲-۳۷۱).

همان گونه که مشاهده می‌شود می‌توان این قانون را اولین نظام‌نامه پلیس راه در ایران به حساب آورد که تا حدودی چهارچوب وظایف و روابط بیرونی و درونی، چگونگی ارتباط با سایر سازمان‌ها و حتی چگونگی اعمال تنبیه افراد قراسوران را مشخص کرده است. در این زمینه چند نکته قابل توجه است:

۱- به هریک از افراد این سازمان قراسوران و به جمع آن‌ها قراسوران‌ها و به اداره آن‌ها اداره قراسوران‌ها گفته شده است. این در حالی بود که در اسناد مربوط به دوره صفویه فقط از صورت مفرد آن استفاده شده بود.

۲- اداره قراسوران‌ها، اداره‌ای مستقل از نظمیه (شهربانی) و ضبطیه (ژاندارمری) بود و وظیفه آن طبق ماده ۳۵۶ حفظ راه‌ها و ساختمان‌ها و عمارت‌های سر راه مانند کاروان‌سراها، مهمان‌خانه‌ها و... احتمالاً روستاهای مسیر راه بوده است. در صورتی که این روستاها زیرپوشش اداره ضبطیه یا ژاندارمری نباشند.

۳- برابر ماده ۳۵۳ و ۳۵۴ قراسوران‌ها دو وظیفه اصلی و فرعی داشته‌اند: وظیفه اصلی آن‌ها حفظ و حراست و نظارت بر ایمنی راه‌ها و شاهراه‌ها بوده است و در ارتباط با این حراست و نظارت همان وظیفه‌ای را داشته‌اند که ادارات نظمیه در شهرها و ادارات ضبطیه در روستاها و بلوک‌ها به عهده داشتند. وظیفه دوم آن‌ها پیشگیری از جنحه و جنایت و دستگیری افرادی بوده است که اقدام به جنحه یا جنایت می‌کرده‌اند.

۴- نیروهای مسلح کشور در آن زمان از نیروهای نظامی شامل قشون و نیروهای انتظامی شامل نظمیه، ضبطیه و قراسوران تشکیل می‌شد که قشون زیر نظر وزات جنگ و سه سازمان انتظامی مورد اشاره زیر نظر وزارت داخله یا وزارت کشور انجام وظیفه می‌کردند.

۵- توجه به امنیت راه‌ها پس از تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی کشور و ارتباط با سایر دولت‌های خارجی و از دستاوردهای انقلاب مشروطه بود. به عبارتی، امنیت راه‌ها آن چنان مهم بود که دولت وادار شد به جز نظمیه و ضبطیه (یعنی شهربانی و ژاندارمری)، نیروی انتظامی مستقلی را با عنوان قراسوران‌ها برای امنیت راه‌ها در نظر بگیرد.

۶- برابر ماده ۳۴۶، تشکیل اداره قراسوران‌ها در هر شهر یا ولایت تابع تقسیم‌بندی‌های سیاسی بود. به عبارتی در هر شهر که اداره حکومتی داشت، اداره قراسوران‌ها نیز تشکیل می‌شد.

۷- برابر مواد ۳۴۹ و ۳۵۰، تعداد قراسوران‌های هر شهرستان را وزیر کشور، دادگستری و راه و ترابری با توجه به مقدار و وسعت خاک آن ولایت و اخلاق و عادت‌های اهالی و طایفه‌های آن ولایت تعیین می‌کردند.

آخرین نکته مهم درباره وظایف و اختیارات قانونی قراسوران‌ها در قانون تشکیل ایالات و ولایات، اختیارات آن‌ها در به کارگیری سلاح در انجام مأموریت‌های محوله است. قانون تشکیل ایالات و ولایات دو پیوست یا مکمل دارد که پیوست یا منضم دوم در مورد ماده ۲۲۶ این قانون است که می‌توان آن را اولین قانون به کارگیری سلاح در نیروهای مسلح نامید. به دلیل اهمیت این پیوست عین متن آن از جداول کتاب یکصد سال فراز و فرود نیروهای انتظامی نوشته خسرو معتضد نقل می‌شود:

### دوم - منضم به ماده ۲۲۶

در باب استعمال اسلحه به توسط مأموران ضبطیه (ژاندارمری) و نظمیه (شهربانی) و قراسوران

ماده ۱: هر یک از عمال ضبطیه و نظمیه و قراسوران در موارد زیر حق استعمال اسلحه را دارند:

اول به جهت مدافعه شخصی خود از کسی که با اسلحه به آن‌ها حمله بیاورد.  
دوم به جهت مدافعه شخصی خود از یک یا چند نفر که بدون اسلحه حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون استعمال اسلحه مدافعه شخصی امکان نداشته باشد.

سیم در صورتی که مأموران ضبطیه و نظمیه و قراسوران ببینند که یک یا چند نفر مورد حمله شده‌اند و جان آن‌ها در خطر است.

چهارم در صورتی که جانی یا مقصری را که عمال ضبطیه و غیره می‌خواهند توقیف نمایند اقداماتی نماید که در مورد اول و دوم این ماده مذکور است و جان عمال ضبطیه در مخاطره باشد.

پنجم در موردی که محبوسى از حبس فرار نماید و در تعقیب و توقیف اقداماتی نماید که در مورد اول و دوم این ماده مذکور است.

ماده ۲: در کلیه این موارد، عمال ضبطیه و غیره مکلفند که اوضاع و احوال استعمال اسلحه راحتی الامکان زودتر به نزدیکترین صاحب منصب نظمیه و ضبطیه و قراسوران اطلاع دهند.

ماده ۳: رئیس و صاحب منصبان ضبطیه و غیره باید مراقبت و مواظبت تامه را داشته باشند که عمال ضبطیه و نظمیه و غیره با کمال احتیاط در موارد فوق‌الذکر اقدام نموده بدون ضرورت مبرمه استعمال اسلحه نکنند.

ماده ۴: در مواردی که دسته‌ای از عمال ضبطیه و نظمیه و قراسوران برای اطفاء نایره شورش احضار می‌شوند، استعمال اسلحه با رعایت شرایط زیر جایز است:

اول اقدام به استعمال اسلحه منوط به اجازه صاحب منصب ضبطیه است که اسکات (فرونشانیدن) شورشیان به عهده او واگذار شده و او هم حکم استعمال اسلحه را وقتی خواهد داد که وسایل دیگر ثمری نبخشیده باشد.

دوم صاحب منصب ضبطیه یا نظمیه باید قبل از حکم به استعمال اسلحه سه دفعه به شورشیان اتمام حجت نموده اعلام کرده باشد که استعمال اسلحه خواهد کرد. بعد از آن اقدام و ترتیب استعمال اسلحه ناری فقط در صورتی جایز است که به هیچ وسیله دیگر نتوان شورشیان را ساکت نمود.

سوم در صورتی که موقع مقتضی اتمام حجت فوق‌الذکر و فوت وقت نباشد. برای مثال، در مواردی که شورشیان حمله به عمال ضبطیه آورند، به طوری که جان آن‌ها در مخاطره باشد یا آنکه اشخاصی دیگر مورد حمله شورشیان واقع شوند و اقدام فوری برای استخلاص آن‌ها لازم باشد، بدون اتمام حجت حکم به استعمال اسلحه می‌توان کرد.

چهارم عمال ضبطیه و نظمیه باید مراقبت نمایند که به اشخاصی که داخل در

شورشیان نیستند آسیبی نرسد.

پنجم مواظبت و مراقبت حال مجروحین هنگام اسکات شورشیان به عهدهٔ عمال ضبطیه و نظمیه و غیره است (معتضد، ۱۳۸۳: ج ۱، ۴-۴۰۳).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود این قانون چه چهار ماده‌ای با زیر مواد دهگانه‌اش حد و حدود استفاده مأموران قراسوران (پلیس راه) از اسلحه را در مأموریت‌های محول شده مشخص می‌نماید.

با این وجود مشخص نیست که بعد از تصویب این قانون ادارهٔ قراسوران‌ها در ایالت‌ها (استان‌ها) و ولایت‌ها (شهرستان‌ها) تشکیل شده باشد. زیرا محمدعلی شاه در همان دوران، ذی‌قعدة و ذی‌حجه سال ۱۳۲۵، به مخالفت با مشروطه برآمد و چندی بعد مجلسی شورای ملی را به توپ بست. بنابه نوشته جهانگیر قائم مقامی مستند به اسنادی از کتاب *آبی* در همان زمان امنیت راه مشهد را به خسروخان رئیس دزدها سپرده بودند تا آن را منظم سازد. این مطلب می‌رساند که ممکن است قراسوران دولتی در بعضی نقاط تشکیل شده باشد و دولت ناگزیر بوده است که امنیت راه‌های دیگر را به افراد صاحب نفوذ محلی سپارد (قائم مقامی، ۱۳۵۵: ۷۹؛ کتاب *آبی*، ۱۳۶۲: ج ۱، سند ۹۲).

با کودتای نظامی محمدعلی شاه و به توپ بسته شدن مجلس در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ برابر با سوم تیرماه ۱۲۸۷ خورشیدی عملاً بساط مشروطه تعطیل و استبداد صغیر حاکم شد و نامنی در کلیه راه‌های کشور بالا گرفت (کتاب *آبی*، ۱۳۶۲: ج ۳، ۲۴-۲۱۸). چنین وضعی یکسال دوام نیافت و آزادی‌خواهان بر حکومت استبدادی پیروز شدند و در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۲۸۸ محمدعلی شاه از سلطنت خلع و پسر ۱۳ ساله‌اش احمدمیرزا به سلطنت رسید و مجلس دوم در ۳۰ آذر همان سال گشوده شد. از اشاره‌های تاریخی که در مورد شورش نایب‌ان کاشان وجود دارد می‌توان دریافت که بعد از تصویب قانون تشکیل ایالات و ولایات و سازماندهی قراسوران‌ها در این قانون، در جایی همچون کاشان، نطنز و نراق قراسوران دولتی وجود داشته است. سردسته شورش نایب‌ان شخصی است به نام محمدحسین پشت مشهدی فرزند علی کاشانی که اصالتاً از لرهای لرستان و ایل بیرانوند بوده است که اجدادش در گذشته‌های دور به کاشان می‌آیند و در محله پشت امامزاده حبیب‌بن موسی (ع) ساکن می‌شوند. وی از لوتی‌های شرور محلهٔ پشت مشهد کاشان بود که با باج‌خواهی و زورگویی روزگار می‌گذراند. گویا

محمدحسین برادر بزرگتری به نام هاشم داشته که از راه رنگری روزگار می‌گذرانده است. هاشم در اعتراض به تجاوز به عنف چند نفر از قاطرچیان ظل‌السلطان پسر ناصرالدین شاه به یک جوان خوش‌سیمای کاشانی، با چوب رنگری خود به جان قاطرچیان متعددی می‌افتد و با حمایت مردم کتک مفصلی به آن‌ها می‌زند. حاکم کاشان که از گماشتگان ظل‌السلطان بوده است طرف قاطرچیان را می‌گیرد و دستور تنبیه و جریمه هاشم‌خان را می‌دهد. در این میان برادر کوچکتر وی محمدحسین یا همان نایب حسین معروف بعدی دستگیر و به تهران گسیل می‌شود.

وی مدتی در تهران زندانی بوده است و شرح حال او به گوش مهدعلیا مادر شاه می‌رسد. مهدعلیا دستور می‌دهد حسین را آزاد کنند و او را به عنوان نایب و فراش درب خانه خود استخدام می‌کند. از این تاریخ عنوان نایبی لقب افراد این خاندان می‌شود. بدین‌سان نایب حسین با استفاده از این موقعیت با درباریان و کارگزارانی همچون عین‌الدوله آشنا می‌شود. بعد از مرگ مهدعلیا نایب حسین به کاشان برمی‌گردد و با هاشم برادر خود به زورگویی و اخاذی از مردم و کاسب‌ها می‌پردازد. خبر شرارت‌های این دو برادر به ناصرالدین شاه می‌رسد و شاه دستور می‌دهد تا حاکم کاشان آن‌ها را دستگیر کند و بدون معطلی سر ببرد. در این میان هاشم شناسایی و دستگیر و کشته می‌شود، ولی حسین بعد از تیراندازی به سوی مردم با وساطت یکی از بزرگان شهر خارج می‌شود و به کربلا می‌رود. بعد از مدتی به تهران برمی‌گردد و در خانه میرزا یوسف مستوفی‌الممالک به کار مشغول می‌شود. جالب است که او به علت دزدی اخراج می‌شود و به کاشان می‌آید و ضمن استخدام در قراسوران، با توجه به مصداق این شعر که می‌گوید: چو دزدی با چراغ آید، گزیده‌تر برد کالا، به غارت و راهزنی خود ادامه می‌دهد. نایب حسین در عین دزدی و شرارت روابطش را با درباریان تهران حفظ می‌کند و برای صدراعظم عین‌الدوله بارخانه میوه و شیرینی و شربت و ترشی و خشکبار می‌فرستد. در زمانی که عین‌الدوله وزیر کشور و سپس نخست‌وزیر می‌شود تفنگداران نایبی کاشان محافظان او می‌شوند. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه دولت با نایب حسین و فرزندانش مدارا می‌کند به گونه‌ای که چوب و فلک دولت‌خانه کاشان به پسر نایب حسین یعنی ماشاءالله خان اجاره داده می‌شود. آن‌ها با حق و حساب گرفتن از کسانی که می‌باید فلک می‌شدند، عوایدی برای خود کسب و اعتبار مالی پیدا می‌کنند،

به گونه‌ای که ماشاءالله خان با دادن هدیه‌ای مناسب به حسام لشکر حاکم کاشان به درجه سرهنگی می‌رسد و سرهنگ دارالحکومه یا دولت‌خانه کاشان و رئیس قره‌سوران و امنیه این شهر می‌شود. بدین سان وی همه برادران خود را در منصب‌های دولتی به کار می‌گیرد و آن‌ها با استفاده از عناوین دولتی کسب‌شده به راهزنی‌های خود ادامه می‌دهند. کار ماشاءالله خان آنقدر بالا می‌گیرد که هفتاد زن عقدی و سیغه‌ای داشته است. ماشاءالله خان و پدرش نایب حسین کاشی و هشت برادر دیگرش در اول مهر ۱۲۸۸ طی شورش از محمدعلی شاه مخلوع حمایت می‌کنند و با نیروهای دولتی طرفدار مشروطه درگیر می‌شوند. دولت نایب حسین خان نراقی نایب الحکومه و رئیس قره‌سوران نراق را مأمور دستگیری آن‌ها می‌کند. اشرار طرفدار نایب حسین کاشانی، نایب حسین نراقی را که در خانه کدخدای جوشقان مهمان بوده است می‌بایند و او را به ضرب گلوله می‌کشند. آنگاه دولت، امامقلی خان بختیاری را که رئیس قره‌سوران نواحی اطراف کاشان و حفظ جاده‌ها بود، مأمور سرکوب اشرار می‌کند. با وجود جنگ و گریزهای اشرار نابی، نفوذ آن‌ها در دستگاه حکومتی همچنان پابرجا بوده است. به گونه‌ای که ماشاءالله خان کاشی دوباره مسئول قره‌سوران و امنیه نطنز و مدتی نیز حاکم یزد می‌شود. خود نایب حسین نیز مدتی حاکم نطنز می‌شود. این خاندان زورگو با رشوه‌دهی به مسئولان طراز اول مملکتی از اجحاف به مردم و مسئولان دون پایه دولتی دریغ نمی‌کردند. تا اینکه در دوران صدارت وثوق‌الدوله، ماشاءالله خان کاشی که به طمع دریافت فرمان حکمرانی بر لرستان یا سیستان و بلوچستان به تهران می‌آید توسط افراد ژاندارمری دستگیر و به علت جرایم و جنایاتی که مرتکب شده بود در تاریخ ۷ شهریور ۱۲۹۸ خورشیدی در میدان توپخانه به دار مجازات آویخته می‌شود. چندی بعد پدر او نایب حسین و ۲۰ تن دیگر از راهزنان نابی دستگیر و اعدام می‌شوند و به ۱۸ سال شراوت و تاخت و تاز نابیان پایان داده می‌شود (معتضد، ۱۳۸۳: ج ۱، ۸۲-۶۶۹ و ۹-۸۶۸). هدف از اشاره به فراز و فرود نابیان، رد و نشان‌هایی بود که تا زمان تشکیل سلسله پهلوی از قراسوران دولتی موجود بوده است.

سردار اسعد بختیاری وزیر کشور وقت در تاریخ ۸ مهر ۱۲۸۸ به سفیر انگلیس که از ناامنی راه‌ها شاکی است می‌نویسد که: «دولت مشغول تهیه طرحی برای ترتیب مستحفظان راه‌هاست و به این ترتیب راه‌ها امن خواهد شد.» متعاقب آن سازمانی با نام



«امنیه دولتی» به ریاست سردار بهادر بختیاری تشکیل می‌شود که ژنرال گسترزیس اتریشی، که مستشار وزارت جنگ بود رئیس ارکان یا رئیس ستاد آن می‌شود. ابوالحسن خان گرانمایه، از افسران تحصیل کرده در آلمان و یک افسر دیگر از وزارت جنگ به امنیه دولتی منتقل می‌شوند تا در تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات سازمان جدید با ژنرال اتریشی همکاری کنند. آنگاه با استخدام عده‌ای از جوانان خوش سابقه و در نظر گرفتن یک دوره آموزشی شش ماهه برای آنان، جانشین قره‌سوران‌های محلی شدند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۵: ۹۰-۸۸).

از شواهد و قراین برمی‌آید که تا پایان دوره قاجار کم و بیش قراسوران در عرصه انتظامی ایران حضور داشته است. از آن میان قراسوران خراسان از منظم‌ترین قراسوران‌ها در سطح کشور بوده است. برابر نوشته یکی از پژوهش‌گران: «امنیت راه‌های خراسان به همان روش پیشین یعنی به وسیله قراسوران‌های محلی صورت می‌گرفت که رئیس آن‌ها حسین قره‌سوران باشی بود و عاملانی داشت که به اسم نایب خوانده می‌شدند و هر کدام مأمور یکی از خطوط بودند. مانند نایب حسین آقا خان شکور سلطان که مسئول حوزه مشهد و خط نیشابور بود و نایب حسن هراتی مسئول خط مشهد تا طیبیات و مرز بود و نایب علی سرابی مسئولیت خط مشهد تا قوچان را به عهده داشت و نایب علی‌رضا معروف به ملایری شأن مسئول خط قوچان و حفاظت سیم تلفن و نایب دُر محمد مستحفظ خط قهقهه بود.» در زمان حکمرانی ناصرالدین میرزا، بر اثر توجه او قره‌سوران خراسان سر و صورت بهتری یافتند و لباسشان یک نواخت و دارای علایم و درجات مشخص شد. هر دسته قراسوران که مسئولیت امنیت یک خط را داشته از ۲۰ نفر و یک نایب اول به عنوان رئیس خط ترکیب می‌شد. این وضع تا سال ۱۲۹۷ خورشیدی برقرار بود (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۶-۱۴۵). پرویز افسر که از افسران ارشد قدیمی ژاندارمری است مطالبی را پیرامون لباس فرم و درجه و حقوق ماهیانه و تجهیزات قراسوران‌های اواخر دوره قاجار می‌نویسد که خواندنی و قابل مراجعه است (افسر، ۱۳۳۲: ۵۶). قراسوران‌ها برعکس قزاق‌ها که به قتل و غارت و تجاوز و بدمستی معروف بودند، به پاکدانی و شجاعت و انضباط و وطن‌پرستی مشهور بودند و محبوبیتی مردمی داشتند. به گونه‌ای که رژه آن‌ها از مقابل احمدشاه مورد تحسین طبقات مختلف

<sup>1</sup> Kostersitz

مردم قرار گرفت. برابر شواهد تاریخی حتی در زمان تشکیل ژاندارمری نوین، که به قبل از کودتای رضاخان در اسفند ۱۲۹۹ برمی‌گردد، قراسوران مخصوص، مأموران ایمنی راه‌ها بودند (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۶۰-۱۴۹؛ سایکس، ۱۳۳۵: ج ۲، ۶۵۵؛ معتضد، ۱۳۸۵: ج ۲، ۶۱-۲). رضاخان سردار سپه وزیر جنگ دولت کودتایی سید ضیاء‌الدین طباطبایی در ۱۴ دی‌ماه ۱۳۰۰ دستور انحلال ژاندارمری را صادر و آن را به قشون (ارتش) متحدالشکل ملحق نمود. با این وجود قراسوران تا سال ۱۳۰۱ خورشیدی همچنان به انجام وظیفه راه‌بانی خود مشغول بودند تا اینکه انشقاق دوباره ژاندارمری از ارتش قراسوران برای همیشه از سازمان نیروهای مسلح ایران حذف و وظایف آن‌ها را ژاندارمری به عهده گرفت. تا اینکه پلیس راه تشکیل گردید و وظایف راه‌بانی به آن یگان محول شد (قائم مقامی، ۱۳۵۵: ۲۸۰ و ۲۹۹).

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در آغاز مقاله اشاره شد، هدف نگارنده اشاره‌ای مختصر به چگونگی پیدایش، ادامه حیات و افول یکی از سازمان‌های راه‌بانی ایران بود. گرچه نمی‌توان تاریخ دقیقی برای پیدایش قراسوران تعیین کرد ولی این تشکیلات انتظامی - راه‌بانی دست کم از اواخر سلسله صفویه تا پیش از تشکیل رسمی سلسله پهلوی به صورت کم و بیش در عرصه راه‌بانی و برقراری نظم و ایمنی راه‌های ایران حضور داشت. قره‌سوران آخرین حلقه سازمان‌های انتظامی مراقبت راه پیش از شیوع استفاده از خودرو در راه‌های بین شهری و مسافرت مردم به صورت کاروانی بود. از طرفی قراسوران حلقه واسط پلیس راه سنتی با پلیس راه نوین در تاریخ راه‌بانی ایران است. به همین دلایل اشاره به فراز و فرود این سازمان، تدوین بخشی از ادبیات انتظامی و راه‌بانی ایران است که خدمات آن نباید از یادها زدوده و به فراموشی سپرده شود.

### منابع

۱. ابن اثیر. (۱۴۱۴ هـ.ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ج ۶.
۲. اعتمادالسلطنه، محمدباقرخان. (۱۳۱۳ قمری)، *تاریخ سلاطین ساسانی (ملحقات)*، تهران: چاپ سنگی دارالطباعة دولتی، ج ۲، ج ۲، ۲ ملحقات.

۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، تهران: دنیای کتاب، ج ۳، ج ۳.
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۸)، *مرآة البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱.
۵. افسر، پرویز. (۱۳۳۲)، *تاریخ ژاندارمی ایران*، قم: بی‌نا.
۶. امین الدوله، میرزاعلی خان. (۱۳۷۰)، *خاطرات سیاسی میرزاعلی خان امین الدوله*، به کوشش حافظ فرمان‌فرمایان، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
۷. بغدادی، ابن فضلان. (۱۳۵۰)، *سفرنامه ابن فضلان بغدادی*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، ج ۲، تهران: شرق.
۸. جهشیاری، محمدبن عبدوس. (۱۳۴۸)، *الوزراء و الکتاب*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: تابان.
۹. حسینی فراهانی، محمدحسین. (۱۳۶۲)، *سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی*، به کوشش مسعود گلزاری، تهران: فردوسی.
۱۰. حکمت، علی‌اصغر خان. (بی‌تا)، *مجموعه اسناد خطی حکمت*، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه*، چاپ اول از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱۰.
۱۲. دیولافوا، ژان. (۱۳۷۸)، *ایران، کلد و شوش*، ترجمه علی محمد قره‌وشی، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. رازی، ابن مسکویه. (۱۳۶۶)، *تجارب الامم*، به تصحیح ابوالقاسم امامی، تهران: سروش، ج ۲.
۱۴. رفیعی، حسن‌رضا. (۱۳۸۰)، *امور انتظامی در نظام حسبه اسلامی*، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
۱۵. رفیعی، حسن‌رضا. (۱۳۸۴)، *فارس نیمه از بهشت*، شیراز: تخت جمشید.
۱۶. ساتن، الول. (۱۳۳۷)، *رضاشاه کبیر*، ترجمه عبدالعظیم صبوری، تهران: بی‌نا.
۱۷. ساکت، محمدحسین. (۱۳۶۵)، *نهاد دادرسی در اسلام*، مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۸. سایکس، سرپرسی. (۱۳۳۵)، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: علمی، ج ۲، ج ۲.
۱۹. صفایی، ابراهیم. (۱۳۵۵)، برگ‌های تاریخ، تهران: بابک.
۲۰. صفایی، ابراهیم. (۱۳۵۳)، آئینه تاریخ، تهران: وزارت فرهنگ و هنر (اداره کل نگارش).
۲۱. صنیع الدوله، محمدحسن خان. (۱۳۱۲ قمری)، التدوین فی احوال جبال الشروین، تهران: بی‌نا.
۲۲. علی بابایی، غلامرضا. (۱۳۸۲)، تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی، تهران: آشیان.
۲۳. قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۵)، تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمیترین ایام تا عصر حاضر، تهران: چاپخانه وزارت اطلاعات و جهانگردی.
۲۴. کتاب آبی. (۱۳۶۲)، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نو، ج ۸، ج ۳.
۲۵. لمبتن، ا.ک.س. (۱۳۶۲)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، چ ۳، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۶. معتضد، خسرو. (۱۳۸۳ و ۱۳۸۵)، یکصد سال فراز و فرود نیروهای انتظامی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، ج ۳، ج ۱.
۲۷. میرزا صالح، غلامحسین. (۱۳۸۴)، مذاکرات مجلس اول ۱۳۲۶-۱۳۲۴ توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین‌الملل، تهران: مازیار.